

حقوق اجانب و تکالیف آنها

هر شخصی که از اتباع دولت خارجی بوده و در مملکت دیگری اقامت داشته باشد از آنجائیکه از افراد بشر است حق دارد در آن مملکت از کلیه حقوق بشری از قبیل آزادی شخصی - آزادی عقیده - آزادی عبادت - آزادی کسب و تجارت حق تمتع داشته و می تواند حوائج مادی و ادبی خود را استیفا نماید.

لکن شخصی که از اتباع خارجی بوده و در کشور دیگری مقیم است حق ندارد مداخله در مسائل مربوط سیاست آن کشور نموده و موجبات اختلال امور را فراهم سازد حتی اگر دولت اجنبی را در پاره از مقاطعه کاریها مضر بمصالح عمومی و آسایش اهالی کشور بیابد می تواند او را از مداخله محروم سازد و بالجمله هر دولتی بمقتضای استقلال و حاکمیت خود حق دارد آزادی خارجی را محدود نماید و او هم مکلف است مادامی که در کشور دیگری اقامت دارد قوانین آن کشور را محترم شمرده و از آن تمکین نماید.

بدیهی است هر گونه قرارداد و پیمانی باشخص اجنبی ولو اینکه دارای شخصیت حقوقی باشد بسته شود این شرط اساسی در آن متضمن و هبنی بر آن قرار داد

انعقاد خواهد یافت و با عدم رعایت آن قرار داد طبعاً باطل و ملغی از اثر خواهد بود .

اگر شخص خارجی بتکلیف خود عمل ننماید و رفتارش مضر بانتظام و منحل بشئون اجتماعی باشد دولت با او چه معامله خواهد نمود؟

باتفاق همه مقننین دولت در اینحال حق طرد و اخراج او را از کشور خود خواهد داشت ولکن این حق بطور مطلق برای دولت ثابت نیست بلکه مخصوص است بجائی که محقق شود وجود اجنبی مضر و منحل بامنیت و نظم عمومی و یا منافی با اخلاق حسنه باشد و بالاخره با حق حیات و بقاء استقلال کشور تماس و اصطکاک حاصل نماید .

این طرد و اخراج منباب مجازات نبوده بلکه تدبیر اداری است که در اغلب ممالک متمدنه و حتی بریطانیا نظر بحق بقاء بکار برده میشود و بریطانیا هم اگر چه بر حسب قانونی که در سال ۱۹۰۵ وضع شده است در موارد مخصوص اجازه طرد اجانب را بوزیر کشور داده مع الوصف در داخله مملکت اجانب را الزهر گونه آزادی که اتباع خود دار هستند برخوردار نموده و از آنها آزادی اقامت را در هیچ حالی از احوال سلب نمینماید مگر با اجازه پارلمان

پرتال جامع علوم انسانی
گروه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رفتار متقابل در قانون مطبوعات

در مقاله قبل که رفتار متقابل در قانون قیومیت و ازدواج را شرح دادیم و ضمناً تشکیلات محکمه شرع را با مدارجی که طی نموده بیان داشتیم گفتیم که محکمه شرع در سال ۱۳۰۶ با امور جزائی نیز رسیدگی می کرد و بعداً بموجب قانون ۱۳۱۰ این

اختیار از محکمه مزبور سلب گردید.

اینک عین قانون برای تکمیل مقاله درج میشود:

«جرمهایی که مطابق ماده ۴۶ اصول تشکیلات در محکمه شرع رسیدگی میشود عبارت است از جرم هایی که مجازات آنها منحصر بحد یا تعزیر شرعی است و در قانون مجازات عمومی مجازاتی برای آنها مقرر نشده و بوسیله اداره مدعی عمومی بمحکمه شرع فرستاده میشود»



در مقالات رفتار متقابل که در این مجموعه منتشر شده است همواره نشان دادیم که قوانین ایران سیر تکاملی خود را طی کرده و پایایی قوانین ممالک متمدنی قدم های موزون و بلند خود را برداشته است زیرا گنجاندن اصل معامله متقابل که تصویب و اجرای آن خود حاکی از استقلال و تمامیت ارضی و معنوی یک کشور است یکی از نشانه های بارز این اصل و دلیل واضحی است بر استقلال و تمامیت این سرزمین. ولی جریان قانون مطبوعات طور دیگری است: با آنکه اوضاع و احوال محیطی و تحولی که در افکار و تصورات مردم حاصل شده لازم بوده است که سیر قانون مطبوعات بنا بر مقتضیات زمان تغییرات اساسی بنماید و متناسب با زمان قانون شایسته وضع و تصویب گردد معذک کار بقیه را بر گشته و همان قانون قدیم مطبوعات که با قوانین دیگری که امروز بموقع اجرا گذاشته شده از بسیاری جهات قضائی سازش ندارد دوباره زنده شده است.

ما صرف نظر از جهات سیاسی قضیه می خواهیم این موضوع را از نظر قضائی و از نظر بین الملل خصوصی و همچنین جهت رفتار متقابل که پایه مقاله بر آن استوار است قانون مطبوعات را مورد مطالعه قرار داده و ضمناً مطالبی که از نظر روش کار ناگزیر از توضیح می باشیم برشته تحریر در آوریم:

فهرست قوانین و آئین نامه اجرای قانون مطبوعات بشرح ذیل است :

- ۱- قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶
- ۲- قانون نظارت مطبوعات مصوب ۱۰ عقرب ۱۳۰۱ شمسی
- ۳- قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۲۱
- ۴- قانون متمم قانون اصلاح قسمتی از قانون مطبوعات مصوب ۱۳۲۱
- ۵- آئین نامه اجرای قانون مطبوعات مصوب ۱۳۲۱
- ۶- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۲۷
- ۷- ماده واحده مصوب ۱۹ دی ۱۳۲۹



قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ که در دوره اول تقنینیه از تصویب مجلس شورای ملی گذشته قانون جامعی است که تکلیف کلیه مطبوعات کشور از نظر قانون اساسی و شرع معین نموده است این دستور جامع و شامل مجازاتهای نقدی و کیفری بوده و برای تعیین تکلیف چاپخانه و کتابفروشی - طبع کتب - روزنامه - اعلانات - دستفروشی و روزنامه های خارجی حدود تقصیرات نسبت با افراد و جماعت و توهین بسلاطین خارجه و مامورین سیاسی و مواد ممنوعه برای طبع و نشر و محاکمه و ضبط و حبس روزنامه و غیره در آن پیش بینی گردیده عبارت از یکسلسله قواعد و مقرراتی است که ترتیبات کار را از هر حیث روشن ساخته است. این قانون بموجب قانون ۱۹ دی ۱۳۲۹ که مینویسد :

« کلیه قوانین مربوط بمطبوعات باستثنای قانون محرم ۱۳۲۶ قمری ملغی است »

مجددا زنده شده است.

قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ بطوریکه مقدمه آن حاکیست طبق اصل بیستم قانون اساسی که « عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضر بدین مبین اسلام آزاد

و ممیزی در آنها ممنوع است» تهیه و تدوین گردیده و ضمانت اجرایی آن همان قانون مطبوعات است که برای متخلفین جزای نقدی و حبس قائل و پیش بینی نموده است.

جرائم پیش بینی شده در این قانون دوجنبه دارد بعضی از امور تخطی نسبت بحدود افراد جنبه خصوصی داشته و برخی که تخطیات نسبت به عموم باشد جنبه عمومی داشته و از طرف اداره شهربانی و یا اداره نظارت راست تعقیب می گردد.

۲- قانون نظارت مطبوعات مصوب ۱۰ عقرب ۱۳۰۱ فقط در مورد امور مربوط بدین اسلام و مذهب، تعیین تکلیف و چگونگی امر را روشن ساخته و مقرر داشته «در صورتیکه مدیران جراید و یا مجلات و از باب مطابع هر وقت بخواهند در امور مربوط بدین اسلام و مذهب اصولاً و فروعاً انشاء و یا نقلاً و لو هزل چیزی طبع کنند بناظر شرعیات باید مراجع نمایند تا اینکه ناظر شرعیات عدم مضر بودن آنرا بدین اسلام و مذهب تصدیق نماید» تخلف از مقررات فوق مستلزم جمع آوری و توقیف اوراق و تعقیب طبع کننده و نویسنده طبق قانون مطبوعات خواهد بود.

در این قانون اساساً هیچ امری از امور دیگر که مربوط بمطبوعات است ذکری نشده و برای تعیین ناظر شرعیات مقرر داشته است که اولاً شخص ناظر شرعیات باید خبر ویت او توسط دو نفر مجتهد جامع الشرایط تصدیق شود

ثانیاً تصدیق چنین شخصی در مورد تعقیب نویسنده به تنهایی کافی بوده .
ثالثاً از عبارت قسمت اخیر ماده چنین برمی آید که سوای تصدیق و تشخیص ناظر شرعیات تشخیص مجتهد عادل مسام هم در مورد تعقیب نویسنده و طبع کننده مقاله یا نشریه دیگر کافی خواهد بود .

بنابراین تنظیم قانون مزبور صرفاً برای طبع موضوعات مذهبی بوده و در مورد امور سیاسی و غیره بهیچوجه تعیین تکلیفی بعمل نیامده و بدیهی است همان قانون

مطبوعات محرم ۱۳۲۶ کارزار روشن ساخته است.

۳ - از مطالعه قانون دی ماه ۱۳۲۱ چنین برمی آید که این قانون در تاریخی وضع شده است که تشنجات سیاسی دست بگریبان دامن مطبوعات شده و امر مستلزم تجدیداتی برای جراید و مطبوعات بوده است زیرا که اولاً برای مدیری صاحب امتیاز و سردبیر علاوه بر شرائط مقرر در قانون مطبوعات ۶ محرم ۱۳۲۶ باید شورای عالی فرهنگ اولاً صلاحیت آنان را از لحاظ تمکن مالی و سرمایه عامی و اخلاقی تصدیق نماید .

ثانیاً هیچکس نمی تواند بیش از یک امتیاز روزنامه یا مجله داشته باشد

ثالثاً مجازات مقرر در ماده ۳۴ قانون مطبوعات تشدید گردیده و در این قانون برای محرک و نویسنده و ناشر را از هشت روز تا شش ماه حبس و از پانصد تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی و از هشت روز تا سه سال توقیف روزنامه پیش بینی نموده اند .

۴ - بعداً در اثر وضع قانون ۲۴ دی ۱۳۲۱ تا اندازه از سختگیری و مشکلات کاسته شد و سابقه پانزده ساله مطبوعاتیکه بطور متوالی یا منظم انتشار یافته اند احترامی برای آنان قائل و حائز همان شرائط مندرج در ماده اول قانون سوم دی ماه ۱۳۲۱ تشخیص و احتیاجی بتصدیق شورای عالی فرهنگ از حیث تمکن مالی و تحصیلات و غیره دانسته اند.

۵ - ماده واحده ۱۳۲۷ که طرز اقدام شهربانی را در ضبط اوراق و همچنین طرز رسیدگی داد گاه را مقرر داشته و ضمناً نسبت بتوهین پیدایش و اعضاء خانواده سلطنتی و هتک حرمت با اساس دین اسلام و اصول و احکام آن و مقام مقدس انبیا و ائمه اطهار و همچنین تحریک برضد حکومت ملی یا ایجاد مفسده و آشوب تعیین تکلیف نموده و بالاخره اهانت و هتک حرمت خانواده سلطنتی را از جرائم مطبوعاتی خارج

دانسته است و در قسمت ب ماده مزبور چنین مینویسد:

ب. مقررات فوق در مورد توهین و هتک احترام نسبت بر وسای کشورهای خارجی «با شرط معامله متقابل» نیز جاری خواهد بود.

ناگفته نماند که در این قانون تضییق دیگری نسبت بکار مندان دولت و کلیه کسانی که از خزانه دولت یا بانگها یا بانگهای مستقل حقوق می گیرند قائل و آنها را از داشتن روز نامه یا سمت مدیر و سر دبیر روزنامه یا نشریه محروم و ممنوع داشته است.

بدیهی است توسعه این قانون شامل اشخاص بازنشسته نیز بوده و از چنین حقی آنها را محروم نگاهداشته است.

۶. بالاخره ماده واحده ۱۳۲۹ که در اثر اوضاع و احوال دیگری بوجود آمده کلیه قوانین مربوط بمطبوعات باستثنای قانون محرم ۱۳۲۶ را لغو کرده و تا یک ماه دولت را مکلف کرده است که در صورتیکه قوانین برای مطبوعات لازم باشد لایحه آن را تقدیم دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پس از ذکر تاریخچه قوانین مطبوعات اینک بموضوع مقاله رفتار متقابل در قانون مطبوعات که در قسمت ب قانون ۱۲ اسفند ماه ۱۳۲۷ مندرج است می پردازیم:

اصلی که موضوع معامله متقابله در آن مورد بحث است و تاکنون در مقالات گذشته یادآور شدیم همانا تکامل تدریجی قضائی و تشییت شخصیت سیاسی ایران پس از الغاء کابیتولاسیون بوده که در این باره متاسفانه باید گفت که با نقض قانون دی ماه ۱۳۲۷ و از بین بردن معامله متقابله در مورد آئین جدید دادرسی ضمن قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۲ اسفند ۱۳۲۷ تا اندازه شکست وارد آمده البته این شکست

بمناسبت طرز رسیدگی در جرائم مذکور در آن ماده و طرز ضبط اوراق و نشریه و توقیف نویسنده یا آزادی او و بالاخره تا اندازه انتخاب قضات دادگاه جنحه و استان است که باین امور رسیدگی مینمایند ولی از طرف دیگر در این قانون تا اندازه استقلال قضات را تثبیت و مقام آنان را استوار کرده است زیرا چنین مقرر داشته که «وزیر داد گستری دو برابر عده دادرسانی که برای دادگاه جنحه و استان لازم است ازین دادرسان مورد اعتماد بدیوان کشور معرفی مینماید - رؤسای شعب دیوان مزبور با رأی مخفی و با اکثریت آراء دادرسان لازم را انتخاب میکنند و این دادرسان تا سه سال بدون میل خودشان قابل عزل و تغییر نیستند.»

در این قانون قانون گذار دست قوه اجرائیه را برای مدت سه سال از دامان دادرسانی که در دادگاه جنحه و استان بکار جرائم مطبوعاتی مذکور در آن قانون رسیدگی میکنند کوتاه گردانیده و زمینه را برای کارهای دیگر قضائی و تثبیت مقام قضات حاضر ساخته - متأسفانه این کوره را هم با وضع قانون مصوب ۱۳۲۹ مسدود گردید.

اصل دیگری که در قانون مزبور پیش بینی شده سرعت در رسیدگی برای دادگاههای صلاحیتدار و تعیین بتکلیف شهر بانی است که در ظرف ۲۴ ساعت باید پرونده را نزد دادستان ارسال دارد و ضبط اوراق و توقیف متهم را منوط با اجازه دادستان نموده و هم چنین ممنوعیت اشخاص است که با اتهامات مذکور در آن قانون تحت تعقیب هستند که بی هیچ اسم و عنوان روزنامه یا نشریه دیگر نمیتوانند انتشار دهند.

بدیهی است با چنین تحولی که در قوانین مطبوعات روی داده است و با وضع قانون ۱۳۲۹ کلیه قوانین مطبوعاتی باستثنای قانون مجرم ۱۳۲۶ لغو گردیده مقرراتی که برای طرز رسیدگی شهر بانی و دادگاه جنحه و استان و دادستان بموجب قانون اسفند ۱۳۲۷ وضع شده و در مورد توهین و هتک احترام نسبت بر رؤسای کشورهای

خارجی باشد معامله متقابله پیش‌بینی گردیده دیگر طرز رسیدگی مثل سایر جرائم غیرمطبوعاتی تابع مقررات عمومی است.

بنابراین امر رفتار متقابل که در قانون اسفند ۲۷ وضع و اجرا شده بود ازین رفت و دیگر چنین تشریفات سریع و صریح برای رسیدگی و ضبط اوراق موجود نمیباشد و جریان کار بصورت عادی و مثل سایر جرائم خواهد بود و بدیهی است در قانون مجازات عمومی ماده ۸۱ که در مورد توهین نسبت برؤسای کشورهای خارجی یا نمایندگان سیاسی که ما در مقالات قبل توضیح در اطراف آن داده‌ایم کماکان بقوت خود باقی و برقرار میباشد.

دکتر علی اصغر - شریف



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی